

تحول سیاست پیش‌گیری از بزهکاری در فرانسه در پرتو تصویب‌نامه قانونی ۱۷ ژوئیه ۲۰۰۲*

نویسنده: رمون گسن**

مترجم: شهرام ابراهیمی***

چکیده: فرانسه از جمله کشورهایی است که در ربع قرن اخیر به حسب چرخش قدرت میان دو جناح چپ (آزادی‌مدار) و راست (امنیت‌مدار) با تحولات متعددی در زمینه سیاستهای پیش‌گیری از بزهکاری مواجه بوده است. این مقاله ضمن اشاره به تفسیرات صورت گرفته در سیاستها، ساختار و برنامه‌های دوره‌های مختلف، به تحلیل و بررسی این تحولات پرداخته و در نهایت لزوم توجه بیشتر به قوانین جرم‌شناختی در انجام تغییرات را متذکر می‌گردد.

واژگان کلیدی: پیش‌گیری اجتماعی، شوراهای محلی، سیاستهای پیش‌گیری، برنامه‌های تأمین امنیت، قوانین جرم‌شناختی.

* La Réforme Des dispositifs Territoriaux de Prévention par le décret du 17 Juillet 2002 et L'évolution de la Politique de Prévention de la Délinquance, in Revue pénitentiaire et droit pénal, no2, 2004.

** Raymond Gassin.

استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی اکس - مارسو و مدیر مؤسسه علوم کیفری و جرم‌شناسی همان دانشکده.

*** دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه تهران.

پیش‌گفتار مترجم

پیش‌گیری از جرم فرایندی عقلانی است که گذشت زمان و تجربه، درستی یا نادرستی آن را نشان خواهد داد. در واقع پیشرفت و کمال و کارآمدی سیاستهای پیش‌گیری در گرو تجدیدنظر دائمی شیوه‌ها و راهکارهایی است که در تأمین و تحقق هدفهای پیش‌گیری به کار می‌رود. در سیاستهای پیش‌گیری، آزمون و خطا سهمی اساسی دارد. زیرا پیش‌گیری همواره بر نوعی شناخت از علل و زمینه‌های پیدایی واقعه استوار است. بنابر این تغییر در نوع ساختار، شیوه‌های اقدام و برنامه‌های پیش‌گیری از لوازم اولیه این فرایند به شمار می‌رود. اما نکته اساسی در تحلیل تحولات - که بعضاً مبنای انجام تغییرات در برخی از کشورها قرار می‌گیرد - لزوم شناخت شرایط سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی هر کشور است. فرانسه از جمله کشورهایی است که در طول ربع قرن اخیر به واسطه چرخش قدرت میان دو جناح چپ (آزادی‌گرا) و راست (امنیت‌گرا) با تحولات متعددی در این حوزه مواجه بوده است. تحولاتی که با نظام جامع پیش‌گیری و سرکوب، در سال ۱۹۷۷ آغاز شد و پس از آن با تفکیک ساز و کار پیش‌گیری از امنیت و تمرکز بر محور آزادی و نیز ترویج و توسعه حقوق بشر ادامه پیدا کرد و در نهایت با تمرکز این دو مقوله در تصویب‌نامه ۱۷ ژوئیه ۲۰۰۲، با محوریت «امنیت» استمرار یافت. استادگسن در این مقاله ضمن اشاره به تغییرات صورت گرفته در سیاستها، ساختار و تشکیلات دوره‌های مختلف و تحلیل آن، از فراموش شدن قوانین جرم‌شناختی صحبت کرده، تأکید می‌کند که جرم‌شناسان باید به روابط بین کنترل اجتماعی غیررسمی و کنترل کیفری رسمی بیشتر توجه نمایند. توضیح اینکه هرچه کنترل غیررسمی فعال‌تر و مؤثرتر باشد نیاز به کنترل رسمی و شدید کمتر خواهد بود. عکس قضیه نیز صادق است؛ بنابر این هرچه پیش‌گیری اجتماعی در ایفای نقش آموزشی و تربیتی خود در زندگی اجتماعی کوتاهی کند پیش‌گیری وضعی باید در جهت جلوگیری از گذار از اندیشه به عمل، فعال و گسترده‌تر گردد.

درآمد

تصویب‌نامه قانونی شماره ۹۹۹-۲۰۰۲ مصوب هفدهم ژوئیه سال ۲۰۰۲ مربوط به «سازوکارهای کشوری امنیت و همکاری برای پیش‌گیری و مقابله با بزهکاری» که به امضای نخست‌وزیر [فرانسه] و دوازده وزیر او رسیده بود در روزنامه رسمی هجدهم ژوئیه ۲۰۰۲ منتشر گردید. تأسیس شوراهای محلی امنیت و پیش‌گیری از بزهکاری، شوراهای استانی پیش‌گیری، کنفرانسهای [جلسات] امنیت استان و در نهایت شورای ویژه امنیت و پیش‌گیری از بزهکاری پاریس، از مهم‌ترین دستاوردهای این تصویب‌نامه محسوب می‌شود. این تصویب‌نامه در عین حال در ماده ۲۰، تصویب‌نامه شماره ۳۴۳-۹۲ مصوب اول آوریل ۱۹۹۲، مربوط به شوراهای بخش و استانی پیش‌گیری از بزهکاری را منسوخ اعلام کرد.

معمولاً انجام اصلاحاتی در این سطح با سؤالات متعددی همراه خواهد بود، از جمله اینکه آیا تغییر صورت گرفته، چیزی فراتر از یک تغییر عنوان همراه با برخی از اصلاحات جزئی است؟ یا اینکه این اصلاح حاکی از تغییر عمده در سیاستهای کلان دولت در مورد پیش‌گیری و امنیت می‌باشد؟ و در صورت مثبت بودن پاسخ در چه جهتی و با چه نتایجی؟ و سؤالاتی دیگر، که سعی خواهیم کرد بدانها پاسخ دهیم. البته باید توجه داشت که تغییر در تشکیلات و ساختار نهاد متولی پیش‌گیری از جرم، به مورد اخیر منحصر نمی‌شود، به ویژه آنکه بیشتر این تغییرات در طول ربع قرن اخیر صورت گرفته و این خود از پیچیدگی راه‌حلهای معضل بزهکاری حکایت دارد. روند جایگزینی نهادها در فرانسه بدین صورت بود که به جای کمیته‌های اولیه پیش‌گیری (یعنی کمیته ملی و استانی پیش‌گیری از خشونت و بزهکاری) که به موجب تصویب‌نامه شماره ۲۸ فوریه ۱۹۷۸ و بر اساس توصیه^(۱) «کمیته

۱. برای مطالعه بیشتر در خصوص توصیه‌های این کمیته، ر.ک: نجفی ابرندآبادی ←

مطالعات پیرامون خشونت و بزهکاری» (مشهور به کمیته پرفیت^(۱)) ایجاد شده بودند^(۲)، «شوراهای ملی، استانی و بخش پیش‌گیری از بزهکاری» به موجب تصویب‌نامه هشتم ژوئن ۱۹۸۳ و توصیه‌های «کمیسیون شهرداران در مورد امنیت»^(۳) به ریاست آقای بُن‌مزن^(۴) آغاز به کار کرد.^(۵)

پس از آن و به دنبال ظهور اولین آثار ناکارآمدی ناشی از ایجاد یک شورای بین‌وزارتی شهرها و کمیسیون ملی ویژه توسعه محله‌ها (با تصویب‌نامه ششم فوریه ۱۹۸۶)، سیاست بنیادی شهر در مصوبه ۲۸ اکتبر ۱۹۸۸ متجلی شد. تأسیس هم‌زمان شورای ملی شهرها و توسعه اجتماعی شهری و یک کمیته بین‌وزارتی با همین نام و نیز هیئت بین‌وزارتی ویژه شهر و توسعه اجتماعی شهری از مهم‌ترین دستاوردهای این مصوبه بود.

هیئت نمایندگی بین‌وزارتی ویژه شهر و توسعه اجتماعی شهری که یک نهاد عملیاتی است،^(۶) پی‌گیری اقدامهایی را که شورای ملی شهرها و کمیته بین‌وزارتی شهرها اتخاذ کرده‌اند تضمین می‌کند و باید آنچه را که «سیاست شهر» نام دارد فعال کند. استقرار «هیئت نمایندگی بین‌وزارتی ویژه شهر و توسعه

← (علی‌حسین)، بزهکاری، احساس ناامنی و کنترل، مجله حقوقی و قضایی دادگستری، شماره ۲۲، ۱۳۷۶. [مترجم]

2. Comité peyrififitte d' Etudes surdes surdes sur la violence.

۲. گزارش «کمیته مطالعات پیرامون خشونت و بزهکاری» همراه با هشت جلد کتاب پیوست در سال ۱۹۷۷ منتشر گردید. این گزارش به قلم آقای دکتر مرتضی محسنی به زبان فارسی ترجمه و در سال ۱۳۷۸ توسط انتشارات گنج دانش منتشر شد. [مترجم]

3. Commission des maires sur La sécurité.

4. Bonnemaïson.

۵. در خصوص این شوراهای، ر.ک: لازرژ (کریستین)، دوآمدی پر سیاست جهانی، ترجمه نجفی ابرندآبادی (علی‌حسین)، انتشارات میزان، چاپ اول، سال ۱۳۸۲، ص ۱۴۱ و بعد. [مترجم]

۶. با تشکیل هیئت نمایندگی بین‌وزارتی ویژه شهر و توسعه اجتماعی شهری، سیاست نوپای شهر، سیاست پیش‌گیری از بزهکاری را در خود جذب می‌کند و بعداً به یکی از شاخه‌های فعالیت آن تبدیل می‌شود. برای اطلاعات بیشتر در این خصوص: ر.ک: لازرژ (کریستین)، همان، ص ۱۴۰. [مترجم]

اجتماعی شهری» در واقع اعلام پیشاپیش تأسیس وزارت شهر در آینده بود که این امر در سال ۱۹۹۱ محقق شد.

اما به دلیل اینکه تصویب‌نامه ۲۸ اکتبر ۱۹۸۸ عنوان اول تصویب‌نامه هشتم ژوئن ۱۹۸۳ را، که به شورای ملی پیش‌گیری از بزهکاری اختصاص داشت، نسخ کرده بود و نیز به دلیل تعریف اولویتهای جدید سیاست ملی پیش‌گیری و تغییراتی که با تصویب‌نامه ۲۸ اکتبر ۱۹۸۸ در ساختار و تشکیلات ملی ایجاد شده بود، باید اصلاحاتی در شورای استانی و شهرستانی پیش‌گیری از بزهکاری ایجاد می‌شد که این امر با تصویب‌نامه شماره ۳۴۳-۹۲ اول آوریل ۱۹۹۱ تحقق یافت.

مرحله جدید فعالیتها در سال ۱۹۹۷، با توجه و تمرکز دولت وقت بر موضوع امنیت اشخاص و اموال به عنوان سیاستهای بنیادین دنبال شد. در همین راستا همایشی در ۲۴ و ۲۵ اکتبر ۱۹۹۷ در ویل پنت^(۱) با عنوان «شهرهای مطمئن برای شهروندان آزاد» برگزار شد. در این همایش از یک سو بر «حق امنیت برای همه» و از سوی دیگر، بر ارادهٔ تبدیل امنیت به عنوان «امری مربوط به همه» تأکید شد.^(۲)

از مهم‌ترین دستاوردهای این همایش می‌توان به ایجاد شورای امنیت داخلی (کشور) با تصویب‌نامه هجدهم نوامبر ۱۹۹۷ و احیای برنامه‌های استانی تأمین امنیت و نیز قراردادهای محلی امنیتی اشاره کرد. قراردادهای مذکور ابتدا توسط بخشنامه‌های بین‌وزارتی پیش‌بینی شده بود ولی پس از آن به صراحت در مادهٔ یک قانون شماره ۱۰۶۲-۲ پانزدهم نوامبر ۲۰۰۱ مربوط به امنیت ذکر گردید.

1. Villepinte.

۲. امنیت یک حق بنیادی و یکی از شرایط اساسی اعمال آزادی‌های فردی و جمعی است.» این دقیقاً عین عبارتی است که قبلاً نیز در ماده یک قانون (pasqua)، مصوب ۲۱ ژانویه ۱۹۹۵ ذکر شده بود. برنامه‌ریزی در خصوص تأمین امنیت از موضوعات اساسی مورد توجه پاسکوا - وزیر وقت وزارت کشور - این قانون محسوب می‌شد. برای اطلاع بیشتر، ر.ک: لازرژ (کریستین)، همان، ص ۱۴۴.

محور اساسی آن همایش این بود که شهروندی اساس امنیت و «تأمین» است. «قرارداد محلی امنیت» که از ابزارهای جدید پیشنهاد شده به شهرداران می‌باشد زمینه‌ساز تحقق امنیت محسوب می‌شود. چگونگی اجرای این قرارداد در بخشنامه ۲۸ اکتبر ۱۹۹۷ تعیین شده است.^(۱)

بدین ترتیب از ابتدای سال ۱۹۹۸ با دو نوع از سازوکارهای متفاوت و متمایز در زمینه مقابله با بزهکاری مواجه هستیم: از یک سو در سطح ملی و در کنار سازمانهای مختلف مربوط به سیاست شهر، شوراهای امنیت داخلی (کشور) و از سوی دیگر در سطح مناطق و در کنار شوراهای استانی و شهرستانی پیش‌گیری از بزهکاری، کمیته‌های استانی مربوط به امنیت و قراردادهای محلی امنیت.

وجود هم‌زمان دو نوع سازوکار با یک هدف (مقابله با بزهکاری) اما از دو منظر بسیار متفاوت قطعاً موجب ناهماهنگیها، موازی‌کاریها، همپوشانیها و رقابتهای غیر علمی می‌گردد که لازم است بدان پایان داده شود. پایان دادن به این ناهماهنگیها، مهم‌ترین دستاورد تصویب‌نامه هفدهم ژوئن ۲۰۰۲ محسوب می‌شود. تجزیه و تحلیل تصویب‌نامه‌ها و بخشنامه‌های مربوط به نهادهای متولی پیش‌گیری و مقابله با بزهکاری و نیز مقایسه آنها، در فهم و درک بهتر مفهوم و قلمرو مصوبه جدید به ما کمک خواهد کرد. از این مقایسه متوجه می‌شویم که تکرار و گنجانیدن یک متن در زمره وظایف کمیته‌ها یا شوراها در تصویب‌نامه‌های ۱۹۷۸، ۱۹۸۳، ۱۹۹۲ و نیز مصوبات ۱۹۸۳، ۱۹۹۲ مربوط به شوراهای استانی آثار عملی مفیدی در پی نداشته است. اما در مقابل می‌توان به مصوبه ۱۹۸۳ اشاره کرد که برای اولین بار بعد از سال ۱۹۷۸ و در یک اقدام بسیار با اهمیت، شوراهای شهرستان را با ریاست شهردار به عنوان یکی از دست‌اندرکاران (کنشگران) اصلی پیش‌گیری از جرم

۱. اجتماعات محلی، مؤسسات عمومی، اشخاص حقیقی و حقوقی می‌توانند در چهارچوب قراردادهای امنیت نسبت به انعقاد و اجرای این قراردادها اقدام نمایند (بند ۳ ماده ۱ قانون

۲۱ ژانویه ۱۹۷۵، اصلاحی ۲۱ نوامبر ۲۰۰۱)

در کنار شوراهای استان، ایجاد کرد. مقامی که در تصویب‌نامه ۱۹۷۸، حتی در کمیته استانی نیز عضویت نداشت.^(۱) البته باید توجه داشت که تجزیه و تحلیل لفظ به لفظ متن، به ویژه زمانی که مصوبه جدید منعکس‌کننده محتوای مصوبه سابق باشد، بعضاً غیر مؤثر و حتی گمراه‌کننده است. ضمن اینکه امکان دارد مفهوم و قلمرو مصوبه جدید با توجه به تغییرات سیاسی ایجاد شده با مصوبه قبلی بسیار متفاوت با مصوبه قبلی باشد.

بنابر این تغییر شرایط اوضاع و احوال سیاسی و ایدئولوژیک و ضرورت شناخت این تغییرات، جهت فهم و درک بهتر محتوای یک اصلاح، از مهم‌ترین موضوعاتی است که در تحلیل چنین مباحثی باید به دقت مورد توجه قرار گیرد.

لذا تفسیر اصلاح سازوکارهای منطقه‌ای امنیت و همکاری برای پیش‌گیری و مقابله با بزهکاری مربوط به مصوبه هفدهم ژوئن ۲۰۰۲، نه لزوماً از زاویه تحلیل لفظ به لفظ مصوبه بلکه در پرتو شرایط کلی سیاسی کشور [فرانسه] مطلوب‌تر و حتی مفیدتر خواهد بود. این روش به ما در تجزیه و تحلیل دقیق تغییرات کمک خواهد کرد.

تصویب‌نامه اصلاحی سال ۲۰۰۲ از یک طرف به تغییراتی که از سال ۱۹۷۶ تا ۲۰۰۰ انجام شده و توسعه یافته بود پایان داد^(۲) و از طرف دیگر

۱. در ترکیب منتخبین کمیته استانی پیش‌گیری از خشونت و بزهکاری ۱۹۷۸ تنها شهرداران دو شهر بسیار مهم و شهردار یک شهرک با جمعیت کمتر از هزار نفر حق حضور داشتند. تصویب‌نامه سال ۱۹۸۳ میزان مشارکت شهرداران در شورای استانی پیش‌گیری از بزهکاری را به شش نفر افزایش داد.

۲. بند ۱۵ اصل یکصد و پنجاه و ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران «پیش‌گیری از جرم» را در حوزه وظایف قوه قضائیه قرار داده است. قوه قضائیه نیز در ۲۵ سال گذشته، در راستای اجرایی کردن این بند مراکز متعددی از قبیل «مرکز مطالعات حقوقی و قضائی دادگستری» در سال ۱۳۶۳ «دفتر مطالعات و پیش‌گیری از وقوع جرم» در نیمه دوم سال ۱۳۷۰، «مرکز تحقیقات و پژوهش‌های فقهی قوه قضائیه»، معاونت اجتماعی و پیش‌گیری از وقوع جرم قوه قضائیه» و در نهایت «کمیته پیش‌گیری از جرم» ایجاد کرده است. هر ←

نقطه آغازی شد بر تلقی و برداشت جدیدی از پیش‌گیری از بزهکاری.

۱. تصویب نامه هفدهم ژوئیه ۲۰۰۲ و پایان تغییرات دوره ۱۹۷۶-۲۰۰۲

یک نگاه اجمالی به سیاست عمومی پیش‌گیری از بزهکاری در کشور فرانسه از سال ۱۹۷۶ تا سال ۲۰۰۲ مجموعه‌ای از تغییرات بخشنامه‌ای را نشان می‌دهد. مجموعه‌ای که با نظام جامع پیش‌گیری - سرکوب کمیته پرفیت در سال ۱۹۷۷ آغاز شده (۱) و پس از آن با تفکیک سازوکارهای کشوری پیش‌گیری از سازوکارهای مربوط به امنیت ادامه یافته (۲) و با تصویب نامه هفدهم ژوئیه ۲۰۰۲ متمرکز می‌گردد. (۳)

۱-۱. نظام پیش‌گیری ناشی از گزارش کمیته پرفیت

اولین اقدام بنیادی برای بررسی جامع پدیده بزهکاری، خشونت و ناامنی در کشور فرانسه و نیز ارائه فکر اساسی و همه جانبه برای مبارزه با این امر با

→ کدام از این نهادها در مدت زمان فعالیت خود اقدامهای درخور توجهی انجام داده‌اند. کمیته پیش‌گیری از جرم که از ابتدای سال ۱۳۸۱ در شورای عالی توسعه قضائی، تشکیل شد با همکاری استادان و پژوهشگران فعالیتهای مختلفی انجام داد که از مهم‌ترین آنها می‌توان به تهیه لایحه پیش‌گیری از جرم اشاره کرد. در این لایحه به منظور تمرکز در مدیریت پیش‌گیری از جرم، جلوگیری از اتخاذ اعمال سیاستهای چندگانه و ناهماهنگ و نیز هدفمند و منسجم کردن اقدامات و فعالیتهای نهادهای دولتی و غیر دولتی ذی‌ربط، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در زمینه پیش‌گیری به عهده قوه قضائیه نهاده شده است. آثار فقدان یک سیاست هماهنگ و جامع در زمینه پیش‌گیری از جرم و نیز همکاری محدود میان دستگاههای مسئول در امر پیش‌گیری را می‌توان در قانون اخیرالتصویب مجلس در خصوص ایجاد وزارت رفاه و تأمین اجتماعی (مصوب ۱۳۸۳/۲/۲۱) و نیز ماده ۹۷ قانون برنامه چهارم توسعه که پیش‌گیری اجتماعی از انحراف و بزهکاری را در حوزه وظایف این وزارتخانه قرار داده است مشاهده کرد، امید می‌رود قانون‌گذار با تصویب لایحه پیش‌گیری از جرم به ناهماهنگیها و مشکلات امر پیش‌گیری در سه حوزه تحقیق و پژوهش، تدوین و برنامه‌ریزی و اجرا پایان دهد. برای اطلاع بیشتر در این خصوص، ر.ک: نجفی‌ابرنیادی (علی‌حسین)، **پیش‌گیری عادلانه از جرم در علوم جنائی**، مجموعه مقالات در تجلیل از استاد محمد آشوری، انتشارات سمت، پاییز ۱۳۸۳، ص ۵۶۵.

گزارش کمیته پرفیت آغاز شد.^(۱) پس از اتمام این گزارش، رئیس کمیته یعنی آلن پرفیت به سمت وزیر دادگستری انتخاب شد و بدین ترتیب امکان اجرای توصیه‌های کمیته بیش از پیش فراهم آمد. وجه مشخصه سیاست جنائی *مُلهَم* از این گزارش که بنام «نظام پرفیت» مشهور است عبارت است از: تلاش برای اجرای یک سیاست هماهنگ پیش‌گیری و سرکوب (مجازات).

برای درک بهتر این سیاست باید از گزارش «پاسخهایی به خشونت» شروع کرد. همان طور که از عنوان این گزارش برمی‌آید در آن تنها به خشونت‌های مجرمانه پرداخته شده است^(۲) و بزه‌کاریهای ناشی از حيله و نیرنگ مورد بررسی قرار نگرفته است. علت این امر را می‌توان در فلسفه تأسیس کمیته مأمور مطالعه در امر خشونت جست‌وجو کرد. در واقع این امر ابتکار شخصی رئیس جمهور وقت، والرئ ژیسکاردستن،^(۳) در مقابل افزایش رو به گسترش خشونت بوده است.

همچنان که شملک^(۴)، دادستان کل کشور فرانسه و یکی از اعضای اصلی کمیته، می‌نویسد: «ما در مارس ۱۹۷۶ قرار داریم، اضطراب و دلمشغولیهای روزافزون ناشی از خشونت، رئیس جمهور را نگران کرده است. همین امر موجب شده است تا مطالعه عمیق در خصوص امنیت مردم فرانسه به اولویت اول دولت فرانسه تبدیل گردد».^(۵)

۱. در کشور آمریکا حدود ده سال قبل از کشور فرانسه یعنی در سال ۱۹۶۵، توسط رئیس جمهور وقت، جانسون، کمیسیون ملی بررسی علل خشونت و پیش‌گیری از آن تأسیس شد و گزارش این کمیسیون در سال ۱۹۶۷ منتشر گردید.

۲. هرچند برخی از توصیه‌های کمیسیون (توصیه‌های شماره ۳۱ تا ۳۷) به مسائل ناشی از سوءاستفاده از موقعیتها و نیز بزه‌کاری مکارانه می‌پردازد ولی باید متذکر شد که تمام این اعمال به لحاظ ارتباطشان با خشونت موضوع مطالعه کمیته قرار گرفته است.

3. Valéry GISCARD d'Estaing.

4. Schmelk.

۵. رشد بزه‌کاری و گسترش خشونت اجتماعی کشور ما را نیز تهدید می‌کند. حوادثی مانند حادثه کودکان مرودشت و نیز پرونده قتل و آزار جنسی هفده کودک در پاکدشت ←

در این مرحله از بحث، ابتدا باید موضوع را به طور دقیق شناسایی و سپس شیوه‌های اقدام را تعریف کرد. منظور از شناخت موضوع یعنی تجزیه و تحلیل خشونت و عوامل آن (۱) و منظور از شیوه‌های اقدام، پاسخهایی است که به خشونت داده می‌شود (۲). این دو موضوع در واقع همان محتوای اصلی گزارش و به طور وسیع‌تر سیاست جنائی کمیته پرفیت را تشکیل می‌دهد.

۱-۱-۱. تجزیه و تحلیل خشونت

خشونت در نهاد و طبع انسانها وجود دارد. هیچ جامعه و مدینه فاضله‌ای را نمی‌توان عاری از خشونت تصور کرد. با اعمال زور و قدرت نیز نمی‌توان از وقوع خشونت جلوگیری کرد. اما با این حال خشونت در هر نوع آن، جامعه و موجودیت آن را تهدید می‌کند و حتی ممکن است خطر از هم گسیختگی جامعه را نیز فراهم آورد.

الف) نتیجه گزارش کمیته در سال ۱۹۷۶ نشان می‌دهد که تعداد جرائم در ظرف ده سال یعنی بین سالهای ۱۹۶۶ تا ۱۹۷۶ دو برابر شده است. به علاوه میزان پاره‌ای از جرائم شدید از جمله جرائم علیه اموال نه تنها دو برابر بلکه چندین برابر شده و رشد سریعی به خود گرفته است. اکثر جرائم به وسیله

← موجب انتقال احساس ناامنی به دولت و تشکیل کمیته‌های ویژه تحقیق و تفحص در سه قوه مجریه، مقننه و قضائیه گردید. به دنبال این حادثه مسئولان سه قوه به پاسخگویی و پی‌گیری عمیق پدیده پاکدشت دعوت شدند. رئیس قوه قضائیه بر «سرعت» مجازات متهمان پرونده تأکید کرد. رئیس قوه مقننه نطق پیش از دستور خود را به حادثه پاکدشت اختصاص داد و نیروی انتظامی را مسئول تأمین امنیت خواننده و فاجعه پاکدشت را «تازه‌ترین نمونه از فقدان امنیت» دانست. رئیس قوه مجریه نیز در آخرین اظهاراتش پیرامون پرونده پاکدشت اعلام کرد حاضر است در همدردی با مردم استعفا کند، رک: روزنامه شرق، پنجشنبه، سی‌ام مهرماه، سال ۱۳۸۳. به نظر، می‌رسد تشکیل کمیته‌ای مطالعاتی متشکل از پژوهشگران و متخصصان رشته‌های مختلف مربوط به پدیده جنائی با پشتوانه محکم اجرائی جهت صدور و اعلام اولویتهای برنامه‌های مهار خشونت و آسیبهای اجتماعی به عنوان گام نخستین ضروری باشد. [مترجم]

مردان و جنس مذکر ارتکاب می‌یابد، به نحوی که می‌توان بزهکاری را پدیده جنس مذکر و نیز از جهت موقعیت ارتکاب پدیده شهری دانست.^(۱) از طرفی بیشترین ضریب سنی ارتکاب جرم نیز مربوط به افراد بین شانزده تاسی سال می‌باشد.

در عین حال احساس عدم امنیت نیز در دهه هفتاد شدت یافت و در سال ۱۹۷۵ به اوج خود رسید. ضمن اینکه این احساس عدم امنیت مردم ناشی از تجربیات شخصی نبوده است، بلکه به دلیل انتشار گسترده مطالب مربوط به خشونت‌های مجرمانه در رسانه‌های گروهی این احساس در بین آنها ایجاد شده است که هر لحظه ممکن است هر یک از آنان قربانی این اعمال شوند. (ب) اما سؤالی که اکنون قبل از بررسی راه‌حل مبارزه با خشونت باید بدان پرداخت این است که عوامل تشدید خشونت فعلی و مبنای آن چیست؟ کمیته مأمور مطالعات در امر خشونت و بزهکاری در گزارش خود با اشاره به اینکه علل بزهکاری را نباید منحصر به یک امر خاص نمود، بلکه باید کوشش شود که کلیه علل و جهات کشف گردد، اضافه کرد که برای تعیین علل بزهکاری سه نکته را باید به طور جدی مورد توجه قرار داد: نخست آنکه خشونت منعکس‌کننده عوامل ظاهری جامعه است، دیگر آنکه خشونت پاسخی است به محرومیتها و بالاخره اینکه خشونت جانشین مذاکره شده است.^(۲) البته تعدد عوامل، تنوع و پیچیدگی آنها در امکان ارائه راه‌حل مناسب تردید ایجاد می‌کند، اما با بررسی عمیق و دقیق گزارش می‌توان به برخی علل اصلی تشدید خشونت از جمله گسترش جامعه، حرص و طمع،

۱. علت این امر این است که وسائل اغواکننده در شهر به مراتب بیش از جاهای دیگر است و دیگر آنکه مجرم در شهر آسان‌تر می‌تواند خود را مخفی کرده و از کنترل اجتماعی و تعقیب رهایی یابد.

۲. در همین خصوص ر.ک: آنتف (رونالد)، *و هیات جرم‌شناختی و یزه‌دیده‌شناختی به تروویسم*، ترجمه نجفی‌ابرنادآبادی (علی حسین)، *مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی*،

رغبت شدید به مصرف‌گرایی و کاهش روابط انسانی، ناهنجاریها و مشکلات زندگی شهری، تفکیک محلات شهر بر حسب طبقات مختلف مردم، بی‌نام و نشان بودن افراد در شهر، انتظارات مردم و نابرابریهای اجتماعی اشاره کرد که این عوامل موجب پیدایش اندیشه خشونت و در نهایت فعلیت بخشیدن به خشونت مجرمانه می‌گردد. ولی در عین حال توجه به این نکته نیز ضروری است که این عوامل هر قدر هم مؤثر و قاطع باشند برای حصول نتیجه باید از گذرگاه «انسانها و آزادیهای انسانی»^(۱) بگذرند، لذا با توجه به تفاوتی که در انسانها وجود دارد آثار این عوامل هم مختلف است. بدین ترتیب خشونت مجرمانه دهه هفتاد اصولاً باید به عنوان «بزهکاری احتمالات مبتنی بر محاسبه هزینه - فایده» تعریف و تحلیل شود. در این نوع اعمال فرد قبلاً جوانب و اطراف کار را بررسی کرده و هرگاه منافع اقتصادی بر خطرات موجود برتری داشت به ارتکاب آن مبادرت می‌ورزد. لذا در هر حال همیشه حساب «منفعت» و «خطر» در بین است. در اینجا یک رجوع ضمنی به نظریه‌های پویای جرم‌شناسی فعلی عمل جنائی از قبیل نظریه اقتصادی جرم، نظریه تحلیل استراتژیک جرم و نظریه فرصتهای مجرمانه که به عبارتی در نظریه انتخاب عقلانی کلارک^(۲) و کورنیش^(۳) ترکیب شده است مشاهده می‌شود.

۱-۲. تعریف شیوه‌های اقدام: پاسخهایی به خشونت

مطالعه پاسخ به خشونت در «نظام پرفیت» را باید با قسمتی از گزارش با عنوان «دیالوگ سخت پیش‌گیری - مجازات» آغاز کرد. نقائص مربوط به اقدامات پیش‌گیرانه و تزلزل در اجرای مجازاتها از موضوعاتی است که در این قسمت مورد بررسی قرار می‌گیرد.

1. Les étres et de leur liberté.

2. Clarke.

3. Cornish.

الف) نقایص اقدامات پیش‌گیرانه:

نقایص اقدامات پیش‌گیرانه را می‌توان در دو عامل خلاصه کرد.

۱. سهل‌انگاری و مسامحه در اقدامات پیش‌گیرانه

از تجزیه و تحلیل اقدامات پیش‌گیرانه این نتیجه به دست آمد که اکثر مجرمان را کسانی تشکیل می‌دهند که اگر به موقع مناسب، اقدامات بازدارنده درباره آنان به عمل آمده بود، به احتمال زیاد از ارتکاب خشونت و جرم منصرف می‌شدند. این امر اهمیت اقدامات بازدارنده را نشان می‌دهد.

۲. عدم ارتباط و هماهنگی بین واحدها و مراجع مختلف مسئول پیش‌گیری از جرم: (۱)
کثرت و تعدد مؤسسات صلاحیت‌دار - چه در سطح ملی و چه در سطح منطقه‌ای - که خود را متولی و مسئول هدایت و تشویق نهادهایی می‌دانستند که مستقیماً و به طور تخصصی به پیش‌گیری از خشونت و جرم مبادرت می‌ورزند مانع هماهنگی بین واحدها و مراجع پیش‌گیری شده‌است. (۲)

۱. با وجود اینکه خبرگان قانون اساسی «اقدام مناسب برای پیش‌گیری از وقوع جرم» را در حوزه وظایف قوه قضائیه قرار داده‌اند، اما با نگاهی به قوانین عادی مصوب مجلس شورای اسلامی و آیین‌نامه اجرایی نهادها و سازمانها، مشخص می‌شود که پیش‌گیری از جرم به منزله شرح وظایف برخی از نهادها و سازمانها ذکر شده است. نهادهای مذکور نیز به اعتبار طرز تلقی صنفی و سازمانی خود و با اعتقاد به اینکه در این زمینه رسالتی دارند، در تشکیلات خود واحدهایی را به امر پیش‌گیری از جرم اختصاص داده‌اند. نبود همکاری و هماهنگی بین نهادهای مذکور و نیز مواضع و دیدگاههای متفاوت و بعضاً متناقض، موجب هدر رفتن امکانات و ظرفیتها و نیز خنثی شدن فعالیت بخشهای مختلف سیاست جنائی در خصوص پیش‌گیری از جرم شده است. [مترجم]

۲. در کشور ما تعدد نهادهای زیر مجموعه قوه قضائیه که در زمینه پیش‌گیری از جرم فعالیت می‌کنند و نیز گسترش تشکیل چنین مراجعی با هدف پیش‌گیری از جرم، ضمن افزودن بر مسئولیت این دستگاه و درگیر نمودن قوه قضائیه در امور مربوط به سایر قوا، بر میزان ناهماهنگیهای موجود در زمینه پیش‌گیری افزوده است. به عنوان نمونه می‌توان به تشکیل «ستاد حفاظت اجتماعی» اشاره کرد. این ستاد در اجرای بند ۱ اصل سوم و بندهای ۴ و ۵ اصل یکصد و پنجاه و ششم و بند ۱ اصل یکصد و پنجاه و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و برای عینیت بخشیدن به اصل هشتم قانون اساسی (امر به معروف و نهی از منکر) تأسیس شده است. به علاوه در همین زمینه لایحه‌ای در قالب ۶ فصل و ۴۱ ماده ←

پیش‌گیری از جرم در توصیه‌های ۱۰۵ گانه کمیته مطالعه خشونت و بزهکاری جایگاه و موقعیت خود را بدست آورد. از این ۱۰۵ توصیه، حدود ۷۰ مورد آن مربوط به پیش‌گیری می‌باشد، ۱۸ توصیه به مسائل شهر و شهرسازی، توصیه به وسایل ایمنی ساختمانها و امنیت معابر و اماکن عمومی و ۲۵ توصیه به مسائل ضد فرهنگی و مشکلات ناشی از آن، سوءاستفاده از موقعیتها، مسائل مربوط به خانواده و حمایت از آن، رسانه‌های گروهی و تأثیر آن، الکلیسم و حمایت از جوانان اختصاص یافت. اجرائی کردن این توصیه‌ها به موجب تصویب‌نامه سوم اکتبر ۱۹۷۷ با ایجاد کمیته‌ای با عنوان «کمیته اعمال مفاد گزارش پیرامون خشونت و بزهکاری» دنبال شد. این کمیته مأموریت یافت تا در یک مهلت سه ماهه با همکاری نهادهای ذی‌ربط، نسبت به مطالعه و پیشنهاد تدابیر خاص برای عملی ساختن توصیه‌های مورد اشاره اقدام کند. بنابر این همان طور که روبرت شملیک به درستی بیان کرد «برای اولین بار است که در کشور فرانسه یک دولت به این نتیجه رسید که باید فراتر از تدابیر سنتی پلیسی - قضائی در قبال بزهکاری بیندیشد و پیش‌گیری را در برنامه‌های عمومی دولت و اقدامات ادارات و مراجع مختلف قرار دهد. در خصوص نقایص مربوط به هماهنگی بین مراجع متعدد صلاحیت‌دار و رفع این نقایص و کمبودها و بر اساس توصیه‌های ۱۰۴ و ۱۰۵ کمیته مطالعات و به موجب تصویب‌نامه ۲۸ فوریه ۱۹۷۸، کمیته‌ای به نام «کمیته ملی و استانی پیش‌گیری از خشونت و بزهکاری» با ریاست نخست وزیر، تأسیس شد. ترکیب اعضای این کمیته عبارت بود از ۲۴ نفر از نمایندگان دوازده وزارتخانه مربوط و دوازده نفر به موجب تصویب‌نامه، نخست‌وزیر که سه نفر از آنان از نمایندگان مجلس و نه نفر دیگر را از شخصیتهای مسئول بخشهای مختلف

→ به عنوان قانون اجرائی امر به معروف و نهی از منکر و به منظور اجرائی شدن اصل هشتم قانون اساسی در سازمان قضائی نیروهای مسلح استان همدان تهیه شده است. ر.ک: ماوی، نشریه داخلی قوه قضائیه، چهارشنبه، چهارم آذرماه سال ۱۳۸۳. [مترجم]

صاحب‌نظر در زمینه پیش‌گیری از خشونت و بزهکاری انتخاب می‌کردند. جلسات این کمیته بر حسب دعوت رئیس و حداقل سالی دوبار تشکیل می‌شد.

صلاحیتهای این کمیته عبارت بود از:

۱- تضمین مستمر شناخت و آگاهی از پدیده خشونت و اشکال مختلف بزهکاری در فرانسه؛ ۲- پیشنهاد تدابیر پیش‌گیرانه به مقامات دولتی؛ ۳- کمک به دادگاه و مطلع کردن افکار عمومی در زمینه بزهکاری؛ ۴- ارائه خدمات مشاوره‌ای به دولت در امر پیش‌گیری از خشونت مجرمانه در کلیه اشکال آن؛ ۵- هماهنگی ساختن فعالیت کمیته‌های استانی با کمیته ملی.

کمیته‌های استانی نیز به منظور اجرای سیاست عدم تمرکز در هر استان به ریاست استاندار و به نمایندگی از طرف نخست وزیر تشکیل گردید. صلاحیت کمیته استانی نیز همانند کمیته ملی گسترده بود. مطالعه پدیده خشونت و بزهکاری و تصور و برداشت مردم از آنها در حوزه استان، پیشنهاد تدابیر پیش‌گیرانه منطبق با واقعیتهای محلی به مقامات دولتی، ترغیب و تشویق ابتکارهای محلی در زمینه پیش‌گیری و سازگار کردن پیشنهادات کمیته ملی با واقعیتهای استان از جمله صلاحیتهای کمیته‌های استانی بود. این کمیته‌ها نیز از ژوئیه همان سال به سرعت تشکیل و آغاز به کار کرد. اولین گزارش کاری در این زمینه در ماه می ۱۹۸۰ منتشر و همایش یک روزه‌ای نیز به همین مناسبت توسط جامعه بین‌المللی جرم‌شناسی در پاریس برگزار شد.

(ب) تزلزل در اجرای مجازات:

در زمینه سیاست کیفری کمیته مطالعات به این نتیجه رسید که در این سیاست کیفری نقاط ضعف فراوانی وجود دارد. از جمله مهم‌ترین آنها این است که نتوانسته است خود را با گسترش بزهکاری و اشکال مختلف آن تطبیق دهد. با تحلیل این سیاست مشخص می‌شود که در محتوای قوانین کیفری، در مرحله تعقیب مجرمان، در مرحله صدور احکام کیفری، اجرای احکام و نیز

در مرحله تربیت و بازسازی مجرمان نقایص بسیاری وجود دارد که در مجموع سیاست کیفری ما را دچار ضعف کرده است. ترس بزهکاران از دستگیری، محکومیت شدید و اجرای حتمی مجازات، دائماً در حال کاهش است. بدین ترتیب کسانی که قصد ادامه ارتکاب جرائم کم و بیش شدید را دارند در آزادی به سر می‌برند.

به عبارت دیگر ارباب عمومی که اولین کارکرد ضمانت اجراهای کیفری و مشتمل بر شدت، قطعیت و سرعت است اثر بازدارندگی خود را ایفا نمی‌کند. اما به نظر می‌رسد توصیه‌های ۸۰ تا ۱۰۳ که مربوط به سیاست کیفری است یک گام عقب‌تر از تشخیص فوق و حتی متعارض با آن باشد. این تعارض در توصیه ۱۰۳ که لغو مجازات اعدام را پیش‌بینی کرده است آشکارتر می‌شود. به همین ترتیب پیش‌بینی کیفرهای جدیدی به عنوان جایگزین سالب آزادی کوتاه مدت برای مباشران جرائم کم اهمیت آشکارتر می‌شود^(۱). اما بالعکس برنامه پیشنهادی کمیته پرفیت در مورد مباشران جرائم شدید و مجرمان خطرناک مبتنی بر یک سیاست برخورد شدید می‌باشد. بر اساس این پیشنهاد سازمان زندانها برای مجرمان خطرناک «بندهای امنیتی ویژه» ایجاد کرد. به موجب قانون ۲۲ نوامبر ۱۹۷۸ برای این قبیل زندانیان «دوره تأمینی» پیش‌بینی شد که در طی آن دوره این عده نمی‌توانند از مزایایی چون آزادی مشروط یا سایر ارفاقهای قضائی بهره‌مند شوند و از زمان صدور حکم، مشمول هیچ نوع تغییر و تعدیل اداری یا قضائی واقع نخواهند شد. اختیارات قضائی اجرای مجازاتها نیز محدود شد. سیاست کیفری، با اتخاذ این تصمیمات و به ویژه با قانون «امنیت و آزادی» دوم فوریه ۱۹۸۱، که تقویت شدت مجازات و ضمانت اجراها و تغییر قانون آیین دادرسی کیفری در جهت

۱. این تعارض به حدی آشکار بود که آن پرفیت لازم دید به منظور توضیح موضوع، شخصاً مطلبی را با عنوان «تأملاتی در باب کیفر مرگ» ضمیمه گزارش نماید.

قطعیت مجازات و سرعت در رسیدگی را دنبال می‌کرد، به نوبه خود با وضعیت موجود منطبق شد. قانون «امنیت و آزادی»^(۱) که همسو با گزارش کمیته پرفیت تدوین شده بود به نوبه خود قطعیت پاسخها را به دنبال داشت. در واقع، زمانی که خشونت‌های مجرمانه به عنوان «بزهکاری احتمالات» و مبتنی بر محاسبه هزینه - فایده تحلیل و بررسی شد و ملاحظه گردید که اثر ارباب‌انگیزی عام کیفر به حداقل رسیده است، اتخاذ سیاست توأمان پیش‌گیری و سرکوب به منظور تبیین و توضیح موضوع اجتناب‌ناپذیر بود. سیاست هم‌زمان پیش‌گیری و سرکوب (مجازات) وجه مشخصه نظام پرفیت محسوب می‌شود. با به قدرت رسیدن آقای میتران^(۲)، نامزد حزب سوسیالیست، سیاست جنائی کشور فرانسه به سمت تفکیک پیش‌گیری و سرکوب (مجازات) تغییر جهت داد.^(۳)

۲-۱. تفکیک سازوکارهای منطقه‌ای پیش‌گیری و (تأمین) امنیت

دوره بیست ساله‌ای که از ۱۹۸۲ تا ۲۰۰۲ به طول انجامید و می‌توان به طور کلی آن را دوره سوسیالیست نامگذاری کرد (به‌رغم دو بار همزیستی دو جناح چپ و راست در دوره هفت ساله ریاست جمهوری فرانسوا میتران، ابتدا در سالهای ۸۸ - ۱۹۸۶ و سپس در ۹۵ - ۱۹۹۳، همچنین دوره دولت آلن ژوپه (۹۷ - ۱۹۹۵)، طی اولین دوره ریاست جمهوری ژاک شیراک) در طول مدت زیادی با طرد سرسختانه آنچه ایدئولوژی امنیتی نامیده شده بود همراه

۱. این قانون در تاریخ دوم فوریه ۱۹۸۱ برای تقویت امنیت و حمایت از آزادی اشخاص به تصویب رسید و به قانون «امنیت و آزادی» شهرت یافت. برای اطلاع بیشتر در خصوص «گفتمان سیاست جنائی قانون‌گذار در این قانون» رک: لازرژ (کریستین)، همان، ص ۹۷. [مترجم]

1. Mitterrand.

۳. با به قدرت رسیدن آقای میتران قانون لغو مجازات اعدام و جایگزین آن با حبس مادام‌العمر به تصویب رسید. [مترجم]

شد.^(۱) به عبارت دیگر این دوره با به حاشیه راندن و فرعی تلقی شدن «ایدئولوژی امنیت‌مدار» همراه گردید. سیاست جنائی مربوط به خشونت‌های مجرمانه در توسعه پیش‌گیری و به طور خاص پیش‌گیری اجتماعی متمرکز گردید. سرکوب (مجازات) بدون اینکه رها گردد قبل از هر چیز به عنوان ابزار مقابله با جرائم یقه سفیدها مورد استفاده قرار گرفت. در همین راستا وزیر دادگستری وقت، یعنی روبرت بدنتر^(۲) در اعلامیه‌ای در ژانویه سال ۱۹۸۲ اعلام کرد: «این کیفر و مجازات نیست که موجب پیش‌گیری از ناامنی می‌گردد».^(۳)

۱. خاستگاه واژگان «چپ» (gauche) و «راست» (droite) و «جناح چپ» (I.a gauche) و «جناح راست» (la droite) به انقلاب فرانسه و ترتیب نشست گروه‌های مختلف در نخستین نشست مجلس طبقاتی شامل طبقات سه گانه اشراف، روحانیون و مردم عوام در ۱۷۸۹ بر می‌گردد. در مجلس، اشراف به واسطه داشتن دیدگاه‌های محافظه‌کارانه در سمت راست و عوام در سمت چپ می‌نشستند. این شیوه به سنتی تبدیل شد که طبق آن واژه «راست» معنای سلطنت‌طلب و ارتجاعی و محافظه‌کار را پیدا کرد و واژه «چپ» در بردارنده همدلی انقلابی یا روحیه مساوات‌طلبی بود که طبق آن اعضای رادیکال و مساوات‌طلب را در برمی‌گرفت. به طور کلی، راست‌گرایی مبین جریانی است که بر ثبات و حفظ سنت‌های گذشته و در پیش گرفتن سیاست‌های لیبرالی در حوزه‌های سیاسی - اقتصادی تأکید می‌کند در حالی که چپ‌گرایی را می‌توان به اعتقاد به نظرات یا سیاست‌های تعریف کرد که در طیف سیاسی، سازمان یا سیستم خاص، به دستیابی به تغییر سریع‌تر، عمیق‌تر و رادیکال‌تر گرایش دارد.

ر.ک: ماله (آلبر)، ایزاک (ژول)، **انقلاب کبیر فرانسه و امپراتوری ناپلئون**، ترجمه یاسمی (رشید)، تهران، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، ۱۳۵۷، صص ۴۱۰-۴۰۴. [مترجم]

2. Robert Badinter.

این شخص وکیل دادگستری میان سالی بود که در آخرین روزهای حکومت دست راست‌پایا وکالت متهمین به قتل عمدی را که اعدام برایشان درخواست شده بود برعهده داشت و موفق شد متهمی بنام پاتریک هانری را که به اتهام ربودن و قتل یک طفل در معرض مجازات اعدام بود، از اعدام نجات دهد. البته این شخص که سه سال قبل از زندان مرخص شد (با استفاده از آزادی مشروط) بلافاصله در اسپانیا به اتهام قاچاق مواد مخدر دستگیر شد! [مترجم]

۳. مهم‌ترین اصلاحات مربوط به نظام مجازات‌ها در سال‌های ۱۹۸۲ - ۱۹۸۱ عبارت بود از: حذف مجازات اعدام، حذف بندهای امنیتی ویژه، حذف دادگاه امنیتی دولت و

اما پس از پایان دومین دوره هفت ساله ریاست جمهوری میتران، دولت ژوسپن^(۱) بر محدودیتهای پیش‌گیری اجتماعی در فرانسه آگاهی یافت و تحت تأثیر وزیر کشور یعنی ژان - پیر شونمان^(۲) با تأکید بر نقش مجازات، تحقیق در خصوص یافتن راه‌حلهای پیش‌گیری از خشونت‌های مجرمانه بالاخص نزد جوانان آغاز شد. بنابر این در دوره حکومت سوسیالیستها باید بین دو نظام میتران با مشخصه تمرکز بر پیش‌گیری اجتماعی و نظام شونمان با مشخصه بازگشت به عقیده فایده‌مند بودن مجازات و تأثیر آن بر خشونت مجرمانه تفکیک قائل شد.

۱-۲-۱. «نظام میتران» و سازوکارهای کشوری پیش‌گیری اجتماعی

الف) آموزهٔ برتری پیش‌گیری اجتماعی (۱۹۸۱-۱۹۸۸): آموزه پیش‌گیری اجتماعی از گزارش شهرداران شهرهای بزرگ درباره امنیت (مشهور به «گزارش بُن میژن» - به نام رئیس کمیته مطالعاتی شهرداران درباره امنیت) با عنوان «در برابر بزهکاری: پیش‌گیری، سرکوبی، همبستگی» الهام گرفته شد.

در واقع این آموزه از ابتدای فعالیت کمیسیون تعیین شده بود. گزارش مورد اشاره نیز با این مضمون شروع می‌شد: «اقدامات باید با اولویت پیش‌گیری و در ارتباط تنگاتنگ با اجتماعات محلی و نیازهای جوانان صورت‌پذیرد».

جرایم شدید سودجویانه که اصولاً پاسخهای کیفی می‌طلبند از قلمرو فعالیت کمیسیون خارج بود. دغدغه عمدهٔ کمیسیون، جرائم روزانه از قبیل سرقت‌های ساده، سرقت اتومبیل و خشونت علیه اشخاص بود که شهرداران به طور روزانه با آن برخورد داشتند.

مبحث مختصری نیز در گزارش کمیسیون شهرداران به «علل بزهکاری»

← دادگاههای دائمی نیروهای مسلح؛ بازبینی قانون «امنیت و آزادی» و ...

1. Jospin.

2. Jean- pierre chevenement.

اختصاص داشت. در گزارش ذکر شده است که هدف کمیسیون بررسی و تحلیل علل و ریشه‌های عمیق بزهکاری نیست زیرا این امر به طور مفصل در فعالیتهای قبلی بحث و بررسی شده است. اما دو نکته در گزارش بُن‌میزن به طور جدی مورد توجه قرار گرفته است:

(۱) «اینکه مجموعه عوامل بزهکاری موجب بحران اجتماعی عظیمی شده است که چهارچوب محدود سیاست ضدبزهکاری پاسخگوی آن نیست.»

(۲) «هیچ‌کدام از این عوامل بالاخص بیکاری نمی‌تواند به تنهایی به عنوان عامل بزهکاری توجیه و تفسیر گردد.»^(۱)

ب) ادغام پیش‌گیری اجتماعی در سیاست شهر: گرچه پیش‌گیری و یا حداقل پیش‌گیری اجتماعی در سالهای ۸۲-۱۹۸۱ یکی از روشهای سیاست جنائی فردی شده و متمایز از سایر سیاستهای اجتماعی دولت محسوب می‌شود، اما از ابتدای سال ۱۹۸۸ سیاست پیش‌گیری در سیاست شهر جذب و ادغام گردید و بعداً به یکی از شاخه‌های فعالیت آن تبدیل شد. این تحول در واقع از آثار تصویب‌نامه ۲۸ اکتبر ۱۹۸۸ بود که «کمیته بین‌وزارتی شهرها»، «هیئت بین‌وزارتی ویژه شهر و توسعه اجتماعی شهر» و شورای ملی شهرها را - با جذب شورای ملی پیش‌گیری از بزهکاری - ایجاد کرد.

ماده یک این تصویب‌نامه وظیفه تعریف سیاست ملی شهرها و توسعه اجتماعی شهری و نیز تعیین اولویتها را به این سه سازمان محول کرد. به همین خاطر هفت اولویت تعیین گردید که عبارت بود از:

۱. آقای بُن‌میزن در اثری که در سال ۱۹۸۷ با عنوان «امنیت در آزادی» منتشر شد، تصریح می‌کند دیدگاه بزهکاران قربانی بحران که بر معادله، بحران = بیکاری = بزهکاری، مبتنی است، دیدگاه رایج و پذیرفته شده به حساب می‌آید. توضیح اینکه صرف‌نظر از تکذیب و رد این معادله در سال ۱۹۸۲ توسط یک کمیسیون چپ سوسیالیست، اصولاً معرفی بیکاری به عنوان یکی از عوامل اصلی بزهکاری نوعی سطحی‌نگری است. همچنان که ژوسپن به مناسبت فعالیت انتخاباتی خود در سال ۲۰۰۲ به طور جدی بر همین اعتقاد بود.

- ۱- مبارزه با فرایند کنارگذاری افراد (به حاشیه راندن اجتماعی شهروندان) در محیط‌های شهری، جذب و ادغام جمعیت‌هایی که با معضلات خاص مواجه می‌باشند و نیز بازپذیری حرفه‌ای، اجتماعی و فرهنگی جوانان؛
- ۲- ارتقای سطح برنامه‌های توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در جهت بهبود وضعیت زندگی در شهر و مناطق مختلف شهری؛
- ۳- تعریف شیوه جدیدی از همکاری بین دولت و اجتماعات محلی؛
- ۴- تقویت پیش‌گیری از بزهکاری و اعتیاد به مواد مخدر؛
- ۵- انطباق سیاست کیفی و توسعه میانجیگری و صلح و سازش؛
- ۶- مطالعه و تحقیق در مورد تغییر ظواهر شهری و معماریهای جدید؛
- ۷- توسعه همکاری بین شهرهای فرانسه و نیز توسعه همبستگی بین شهرها و کشورهای اطراف.

در خصوص توزیع و تقسیم صلاحیتها بین این سه سازمان به شرح ذیل عمل شده است: تعریف، ترغیب و هماهنگی فعالیت‌های دولت در چهارچوب سیاست ملی شهر، بر عهده کمیته بین وزارتی شهرها قرار داده شده است. با وجود این، این کمیته به تنهایی اقدام نمی‌کند. شورای ملی شهرها نیز بازوی مشورتی قوی کمیته محسوب می‌شود زیرا در تدوین سیاست شهر مشارکت فعال دارد. هیئت نمایندگی بین وزارتی ویژه شهر که یک نهاد اجرایی است از یک طرف برنامه‌های کمیته بین وزارتی شهرها و شورای ملی شهر را تهیه و تدارک می‌بیند و از طرف دیگر با ارتباط تنگاتنگ با سایر وزارتخانه‌های ذی‌ربط، نسبت به اجرا و پی‌گیری تصمیماتی که نهادهای فوق اتخاذ کرده‌اند اقدام می‌کند.

چند سال بعد در سال ۱۹۹۱ با تأسیس وزارت شهر، این نهادها تحت نظارت این وزارتخانه در آمدند و وظایف آنها طبق تصویب‌نامه یازدهم ژانویه ۱۹۹۱ تعیین شد. تجزیه و تحلیل جهت‌گیری جدید «سیاست پیش‌گیری از بزهکاری» ملاحظاتی را به ذهن متبادر می‌سازد که به ذکر آن می‌پردازیم:

۱- پیش‌گیری از بزهکاری و انحرافات، هدف انحصاری این سیاست نبوده است؛ در واقع پیش‌گیری از بزهکاری جزء یکی از هفت هدف مورد اشاره بود که می‌توان گفت در بین این اهداف گم شده است؛

۲- تصویب‌نامه سال ۱۹۸۸ با تعیین اولویت‌های سیاست ملی شهرها و توسعه اجتماعی شهری، به نوعی متضمن نظریه تقدم علت‌شناسی بزهکاری شهری می‌باشد که تمام سازمانها و نهادهای فعال در امر پیش‌گیری به رعایت آن ملزم شده‌اند، ولی شورای ملی شهرها تاکنون به صورت اختیاری با این امر برخورد کرده‌اند؛

۳- مفهوم پیش‌گیری از بزهکاری به یک مفهوم آشفته تبدیل شده است. در تصویب‌نامه ۱۹۸۸ نه فقط تقویت پیش‌گیری از بزهکاری و اعتیاد به مواد مخدر، «بلکه انطباق سیاست کيفری و توسعه میانجیگری و صلح و سازش» نیز به عنوان اهداف سیاست جدید ملی شهر تعیین شده است.

با توجه به این حد از تغییر در اهداف و ساختار پیش‌گیری از بزهکاری در سطح ملی چنین به نظر می‌رسد که باید سازوکارهای سرزمینی (منطقه‌ای)، مثل شوراهای استانی و شهرستانی پیش‌گیری نیز جهت تطبیق با سیاست جدید ملی شهر تغییر یابد که البته چنین چیزی تحقق نیافته است. تصویب‌نامه اول آوریل ۱۹۹۲ فقط امکان تأسیس شوراهای بین شهرستانی پیش‌گیری از جرم و اصلاح ضمنی ترکیب و ساختار آنها را پیش‌بینی کرد ولی در وظایف این شوراها تغییری ایجاد نشد.

این چنین سیاستی (سیاست پیش‌گیری از جرم) به چه نتایجی دست یافته است؟

بررسی مجموعه مسائل مربوط به ارزیابی کارآیی سیاست شهر از ابتدای سال ۱۹۸۸ و نیز تأثیر آن در پیش‌گیری از بزهکاری خالی از فایده نخواهد بود. از بررسی آمار وقایع ثبت شده توسط مراکز پلیس و ژاندارمری که به‌رغم معایب و نقایص گسترده، بیانگر وضعیت موجود بزهکاری فرانسه می‌باشد،

می‌توان تحولات بزهکاری از ۱۹۸۱ تا ۱۹۹۶ را به شرح ذیل ملاحظه کرد.^(۱)

۱۹۸۱: ۲۹۸۰۰۲۰ %۵۳/۶۷

۱۹۸۸: ۳۱۳۲۶۹۴ %۵۶

۱۹۹۶: ۳۵۵۹۶۱۷ %۶۱/۲۵

بنابر این تغییر جهت سیاست جنائی به سمت برنامه‌های کیفری (سرکوبگر) که در قالب قراردادهای محلی امنیت ظاهر شده، تعجب‌آور نخواهد بود.^(۲)

۱-۲-۲. «سیستم شونمان» و سازوکارهای کشوری مربوط به تأمین امنیت دغدغه‌های سرکوبگرانه در طول دوره ۱۹۹۷-۱۹۸۱ در هر مرحله‌ای که جناح راست به قدرت رسیده، ظاهر و بارز شده است. قوانین مربوط به امنیت در دولت ژاک شیراک و در سالهای ۱۹۸۸-۱۹۸۶ که به «قوانین بزهکاران» یا «عقب‌گرد بدون سابقه» شهرت یافت، قانون دهم اوت ۱۹۹۳ دولت بلدور^(۳) که مقررات آزادی‌گرایی دادرسی چهارم ژانویه ۱۹۹۳ را ناکارآمد خواند، قانون ۲۱ ژانویه ۱۹۹۵ مربوط به برنامه‌ریزی در خصوص امنیت و نیز بخشنامه نهم سپتامبر ۱۹۹۳ مربوط به برنامه‌های استانی امنیت، از جلوه‌های بارز این نوع تفکر می‌باشد.

۱. در خصوص مباحث مربوط به ارزش آمارهای جنائی ر.ک:

Gassin, *criminologie précitée*, no 136.

۲. پیش‌گیری فرابندی عقلی است که تجربه، درستی یا نادرستی آن را عیان می‌کند. در واقع، پیشرفت و کمال سیاست پیش‌گیری در گرو تجدیدنظر دائمی شیوه‌ها و راهکارهایی است که در تأمین هدفهای پیش‌گیری به کار می‌رود. در سیاستهای پیش‌گیری، آزمایش و خطا سهم مهمی دارد. زیرا پیش‌گیری همواره بر نوعی شناخت از علل و زمینه‌های پیدایی واقعه استوار است، و چون داده‌های جرم‌شناسی و تحقیقات در قلمرو بزهکاری هنوز علل مؤثر رفتارهای غیرقانونی را معلوم نکرده است، وجه غالب سیاستهای امروزی، پیش‌گیری است. ر.ک: اردبیلی (محمدعلی)، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی علمی-کاربردی جنبه‌های مختلف سیاست جنائی در قبال مواد مخدر، جلد اول، ص ۱۵۹. [مترجم]

3. Balladur.

۳-۱. تمرکز شوراهای محلی پیش‌گیری و سازوکارهای کشوری مربوط به امنیت با تصویب‌نامه ۱۷ ژوئیه ۲۰۰۲^(۱)
تصویب‌نامه هفدهم ژوئیه ۲۰۰۲ مربوط به سازوکارهای سرزمینی امنیت و همکاری برای پیش‌گیری و مقابله با بزهکاری دربردارنده چهار عنوان می‌باشد:

- عنوان اول، شوراهای محلی امنیت و پیش‌گیری از بزهکاری؛
- عنوان دوم، شورای استانی پیش‌گیری؛
- عنوان سوم، شورای پیش‌گیری از بزهکاری و امنیت پاریس؛
- عنوان چهارم، اجلاسهای استانی امنیت.

شوراهایی که بر اساس عناوین یک تا سه پیش‌بینی شده‌اند حداکثر باید تا تاریخ اول اکتبر ۲۰۰۲ یعنی تاریخ نسخ تصویب‌نامه اول آوریل ۱۹۹۲ تأسیس شوند. همان‌طور که ملاحظه می‌شود تمرکز پیش‌گیری و (تأمین) امنیت در سطح محلی کامل ولی بالعکس در سطح استان کماکان متمایز می‌باشد که

۱. گفتنی است نهادهای مسئول تأمین و پیش‌گیری از جرم در کشور ما همچنان مستقل از یکدیگر فعالیت می‌کنند و هر کدام سازوکارهای خاص خویش را دارند. بر اساس قانون راجع به تعیین وظایف و تشکیلات شورای امنیت کشور مصوب ۱۳۶۲/۶/۸، اتخاذ تصمیمات و تدابیر هماهنگ در جهت پیش‌گیری و مقابله با مسائل مربوط به جریانات و پیشامدهای عمده و اساسی امنیت داخلی، بر عهده «شورای امنیت کشور» به مسئولیت وزیر کشور می‌باشد. علاوه بر شورای امنیت کشور، در سطح استان، شهرستان و بخش نیز شورای تأمین استان، شهرستان و بخش به عنوان بازوی مشورتی نمایندگان وزارت کشور در امور امنیتی (استاندار، فرماندار، بخشدار) فعالیت می‌کنند. ماده یک آیین‌نامه شورای اجتماعی استانها، مصوب ۱۳۶۶/۱۰/۲۳ هیئت وزیران، هدف از تشکیل شورای اجتماعی استانها را فراهم آوردن شرایط و امکانات لازم برای ارتقای سطح معنوی و فرهنگی جامعه در چهارچوب سیاستهای فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و دفع مفاصد و ناهنجاریها و آفات اجتماعی می‌داند. براساس ماده ۴ قانون راجع به تعیین وظایف و تشکیلات شورای امنیت کشور، مسئول تأمین امنیت در استان، استاندار می‌باشد. ماده ۳ آیین‌نامه شورای اجتماعی استانها نیز «شورای اجتماعی استان» را عالی‌ترین مرجع بررسی‌کننده و هماهنگ‌کننده امور اجتماعی در سطح استان می‌داند. [مترجم]

البته این تصویب‌نامه روابطی را بین این دو برقرار کرده است.

۱-۳-۱. شوراهای محلی امنیت و پیش‌گیری از بزهکاری

شوراهای محلی امنیت و پیش‌گیری از بزهکاری می‌تواند با توجه به معیارهای ماده ۲ تصویب‌نامه توسط هر شهرستان یا به طور مشترک توسط دو یا چند شهرستان تأسیس گردد. ریاست این شورا به عهده شهردار و در مورد شوراهای بین شهرستانی بر عهده یکی از شهرداران عضو شورا خواهد بود. ایده کلی که کارکرد این شورا را متمایز می‌کند عبارت است از «توافق در تعیین اولویتهای مقابله با ناامنی همراه با بسیج نهادها و سازمانهای دولتی و خصوصی ذی‌ربط» (ماده ۱). صلاحیتهای این شوراها را در سه طبقه به شرح ذیل می‌توان بیان کرد:

الف) صلاحیتهای کلی: تسهیل تبادل اطلاعات مربوط به انتظارات مردم با توجه به ویژگیهای خاص هر محله و نیز تعریف اهداف قابل دستیابی از طریق مداخله هماهنگ مشارکت‌کنندگان مختلف در زمره صلاحیتهای کلی است. با این حال به منظور انجام این امر شوراهای محلی امنیت و پیش‌گیری از جرم به طور منظم توسط مسئولان محلی از قبیل پلیس و ژاندارمری از وضعیت بزهکاری آن حوزه، ویژه‌گیها و تحولات آن مطلع می‌شوند.

ب) صلاحیتهای مربوط به پیش‌گیری: این صلاحیتهای عبارت‌اند از: تعریف فعالیتها و اهداف هماهنگ و پی‌گیری اجرای آن؛ تشویق ابتکارات در زمینه پیش‌گیری از جرم و کمک به بزه‌دیدگان؛ بسیج امکانات در جهت اجرای تدابیر جایگزین تعقیب و حبس همانند تدابیر اجتماعی، بهداشتی و نیز تقویت بازپذیری اجتماعی تسهیل‌کننده پیش‌گیری از تکرار جرم. خاطر نشان می‌شود که تصویب‌نامه ۲۰۰۲ همانند شوراهای شهرستانی سابق در خصوص صلاحیت اخیر، مفهومی بسیار موسع از پیش‌گیری به دست داده است. زیرا هم پیش‌گیری از تکرار را در برمی‌گیرد و هم پیش‌گیری ثالث و

کمک به بزه‌دیدگان را دربرمی‌گیرد.^(۱)

ج) صلاحیت مربوط به امنیت: مشارکت در تدوین، اجرا و ارزیابی قراردادهای محلی امنیت و نیز پی‌گیری و تضمین اجرای آن از جمله صلاحیتهای این شورا در حوزه امنیت می‌باشد. در مورد قراردادهایی که قبل از این منعقد شده است، شورا بر حُسن اجرای آن نظارت خواهد کرد.

توسعه رسمی صلاحیت شوراهای شهرستان با تصویب‌نامه ۲۰۰۲ که نشان از اراده جدی دولت در جهت تمرکز پیش‌گیری و امنیت دارد ابتکاری اساسی و بنیادی است که امید می‌رود به شکوهای دادستانهای استان، که اخیراً در مورد فایده همکاری با منتخبان محلی در زمینه مقابله با بزهکاری دچار تردید شده‌اند، پاسخ دهد.

۱-۳-۲. امنیت و پیش‌گیری در سطح استان

هرچند که امنیت و پیش‌گیری در سطح شهرستان در یک نهاد ترکیب شده‌اند اما در سطح استان وضعیت بدین گونه نیست. تصویب‌نامه مذکور دو نهاد را پیش‌بینی کرده است: اجلاسهای استانی امنیت که جایگزین کمیته استانی امنیت و برنامه‌های استانی امنیت شده است؛ و شورای استانی پیش‌گیری که با شرط تضمین مشارکت اعضای شوراهای عمومی و رؤسای شوراهای محلی پیش‌گیری و امنیت، در سطح استان جانشین شورای استانی پیش‌گیری از جرم ۱۹۸۳ و ۱۹۹۲ شده است. باید اشاره کرد که روابط این دو نهاد از سال ۲۰۰۲ از جهات مختلف بیشتر شده است. از یک طرف مدیریت آنها بر عهده فرماندار و دادستان شهرستان است. از سوی دیگر مجمع استانی باید هر

۱. در خصوص تحلیل انتقادی مفهوم پیش‌گیری به بحث شماره ۸۵۷ کتاب جرم‌شناسی گسن مراجعه کنید. لازم به ذکر است که چاپ نخست کتاب جرم‌شناسی که در سال ۱۹۸۸ منتشر شده است توسط شادروان استاد کی‌نیا (مهدی)، ترجمه و در سه جلد با عنوانهای «مقدمه‌ای بر جرم‌شناسی» (۱۳۷۰)، «جرم‌شناسی کاربردی» (۱۳۷۰) و «جرم‌شناسی نظری» (۱۳۷۴) منتشر شده است. [مترجم]

ساله گزارشی از وضعیت بزهکاری در هر استان تهیه و آن را به شورای استانی پیش‌گیری از جرم ارسال دارد. شورای استانی نیز این گزارش را بررسی و نتایج آن را در تهیه طرح‌های پیش‌گیری به کار خواهد گرفت. به علاوه این شورا نیز هر سال بیان فعالیت شورای محلی امنیت و پیش‌گیری از جرم و سایر سازمان و نهادهای فعال در این زمینه را تهیه و تنظیم می‌کند و این چیزی است که به مجمع استانی امنیت اجازه می‌دهد، فعالیت شوراهای محلی امنیت و پیش‌گیری از بزهکاری را، از جهت انطباق با حدود صلاحیتشان پی‌گیری کند. در نهایت اینکه بررسی تحولات یک ربع قرن این احساس را تقویت می‌کند که دوباره به نوعی، نه از لحاظ شکل نهادها که بسیار متفاوت با قبل شده‌اند، بلکه حداقل از نظر عواملی که باعث پویایی این نهادها شده‌اند، به نقطه آغاز حرکت برگشته‌ایم. تغییر در سیاست جنائی در جهت پاسخ به کمبودهای پیش‌گیری، تزلزل در اجرای مجازاتها و اقدامات سرکوب‌کننده جرم از طریق ترکیب هماهنگ پیش‌گیری و سرکوب (اجرای مجازات) با «نظام پرفیت» آغاز شد. با «نظام میتران» تفکیک این دو عنوان (پیش‌گیری و سرکوب) با اولویت پیش‌گیری اجتماعی و سپس جذب و ادغام آن در سیاست اجتماعی شهر جنبه اجرایی به خود گرفت. گزارشهای متعدد مراکز پلیس و ژاندارمری در مورد افزایش جدی «خشونت‌های شهری»، موجب شد دولت ژوسپن همراه با «نظام شوئمان» و به ویژه با شوراهای محلی امنیت و پیش‌گیری از بزهکاری، سیاست «برگشت به واقعیات» را اتخاذ کند. از طرفی اولویت دادن به پیش‌گیری به عنوان تنها ابزار مقابله با بزهکاری در سیاست تفکیک پیش‌گیری از سرکوب (مجازات) توجیهی نداشت. این امر موجب باز سازماندهی ساز و کارهای سرزمینی تأمین امنیت از طریق تصویب نامه هفدهم ژوئن ۲۰۰۲ شد.

۲. تصویب‌نامه هفدهم ژوئیه ۲۰۰۲

سرآغاز سیاست جدید پیش‌گیری و امنیت

این مقررہ نقطه حرکت سیاست جدید پیش‌گیری محسوب می‌شود که از این به بعد با عنوان «نظام سرگزئی»^(۱) شناخته خواهد شد. قبل از بررسی این نظام، مجموعه سیاست جنائی بعد از ۲۰۰۲ را به طور مختصر مورد اشاره قرار خواهیم داد. همان‌طور که می‌دانیم امنیت اشخاص و اموال، اولویت اول تبلیغات انتخاباتی ژاک شیراک در سال ۲۰۰۲ محسوب می‌شد. توجه ویژه به این اولویت با تصویب سلسله‌ای از قوانین که هدف اولیه آنها، در حد امکان تضمین اثربخشی مجازات بود همراه گشت. قانون ۲۹ اوت ۲۰۰۲، مربوط به جهت‌گیری و برنامه‌ریزی برای امنیت داخلی، قانون هجدهم مارس ۲۰۰۳ در مورد امنیت داخلی (از جانب وزیر کشور)، قانون نهم سپتامبر ۲۰۰۲، مربوط به جهت‌گیری و برنامه‌ریزی در مورد عدالت و قانون نهم مارس ۲۰۰۴ در خصوص انطباق دادگستری با تحولات بزهکاری (از جانب وزیر دادگستری) از جمله این قوانین محسوب می‌شود. نکته‌ای که به جرأت و یقین و فارغ از ارزیابی این نوع از مقررات خاص می‌توان بیان کرد این است که اعتقاد و اطمینان به اثر بازدارندگی کیفر با سه مشخصه، شدت، قطعیت و سرعت، فلسفه کلی تصویب چنین مقرراتی را تشکیل می‌دهد. بنابر این یک دغدغه فکری مشابه دغدغه‌ای که سیاست جنائی «نظام پرفیت» را شکل داد مشاهده می‌شود؛ اما ارباب ناشی از تهدید ضمانت اجراهای کیفری، پدیده‌ای مجرد و انتزاعی نیست که به تنهایی و در خلأ موجب بازدارندگی گردد. قابلیت ذاتی تهدید در تعامل مستمر با اوضاع و احوال فرهنگی و نهادی مؤثر واقع می‌شود و این در واقع همان چیزی است که نظریه

۱. گفتنی است که آقای نیکلاس سرگزئی در این تاریخ وزیر کشور فرانسه بوده است. Systéme.

«بازدارندگی مشروط»^(۱) بر آن تأکید دارد. بدین توضیح که کیفر و تهدید ناشی از آن زمانی در پیش‌گیری عمومی از بزهکاری مؤثر واقع می‌شود که با کنترل‌های اجتماعی غیر رسمی دیگر نهادهای اجتماعی از قبیل خانواده، مدرسه، کلیسا، بازار کار و... همراه و تقویت شود. پیش‌گیری در همین نقطه تلافی، جایگاه خود را به دست می‌آورد. بنابر این به همان میزان که این شرایط فراهم گردد، آثار بازدارندگی کیفر نیز افزایش می‌یابد، بالعکس در شرایط آشفته‌گی، نابسامانی فرهنگی و نهادی و بسی مسئولیتی، حقوق کیفری به رغم خصوصیات درونی اش، ناکارآمد می‌شود. اما جهت‌گیری سیاست پیش‌گیری «نظام سرکزی» چیست؟ در زمان تدوین این مقاله^(۲) غیر از پیوست اول «گزارش مربوط به جهت‌گیری سیاست امنیت داخلی» مربوط به قانون ۲۹ اوت ۲۰۰۲ و چند مقاله منتشر شده در مجلات علمی از جمله مقاله «بررسی فعالیت‌های انجام شده در زمینه تهیه پیش‌نویس قانون پیش‌گیری از خشونت در مدارس»، مطلب دیگری در دست نبود. اما بررسی همین مختصر اسناد از افزایش توسل به برنامه‌های وضعیت‌مدار (پیش‌گیری وضعی) در مقایسه با پیش‌گیری اجتماعی حکایت دارد، یعنی جلوگیری از تشکیل وضعیت‌های پیش‌جنائی و قطع فرایند‌گذار از اندیشه به عمل.^(۳) در واقع پیش‌گیری نوع سرکزی در مقابل پیش‌گیری مورد نظر بن می‌زُن قرار می‌گیرد.

در اینجا محتوای پیش‌نویس قانون عمومی پیش‌گیری از بزهکاری مشهور به پیش‌نویس سرکزی (الف) و سپس برنامه عملی پیش‌گیری که توسط وزیر کشور تهیه شده است را بررسی می‌کنیم:

1. conditional deterrence.

۲. ۲۸ مارس ۲۰۰۴.

۳. ر.ک: نجفی ابرندآبادی (علی حسین) و هاشم‌بیک (حمید)، *دانشنامه جرم‌شناسی*، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول، ۱۳۷۷، ص ۳.

۲-۱. پیش‌نویس قانون پیش‌گیری

این پیش‌نویس با همکاری وزارت دادگستری و هفت وزارتخانه دیگر تهیه شده است که از یک طرف به تعریف «نظریه ملی پیش‌گیری از بزهکاری» (۱) و از طرف دیگر به اقدامات پیش‌گیری که باید اتخاذ گردد پرداخته است. (۲)

۲-۱-۱. نظریه ملی پیش‌گیری^(۱)

این نظریه متضمن چهار نکته می‌باشد. اولین و مهم‌ترین آن به هدف پیش‌گیری مربوط است. پیش‌گیری باید به بهبود مستمر امنیت کمک کند. در اینجا این نوع از پیش‌گیری از مفاهیمی که کاهش جرم را در بهبود وضعیت زندگی جست‌وجو می‌کنند جدا می‌شود. دو نتیجه از این بحث به دست می‌آید:

۱- اقدامات پیش‌گیری از بزهکاری باید به طور دقیق از سیاستهای اجتماعی به ویژه سیاست شهر تفکیک و متمایز گردد. این اقدامات به دنبال جلوگیری از فرایند گذار از اندیشه به عمل می‌باشد که در حوزه پیش‌گیری وضعی قرار می‌گیرد.

۲- در این دورنما، باید ضمانت اجراها، آموزش و پیش‌گیری را به عنوان یک کل در نظر گرفت که پیش‌گیری در رأس مجازات (سرکوب) قضائی قرار می‌گیرد.

دومین نکته بسیار با اهمیت به نقش شهرداری در پیش‌گیری مربوط می‌شود. شهرداری باید به عنوان کنشگر اول پیش‌گیری و هدایت‌کننده اقدامات قلمداد گردد. این نقش اساسی شهرداری که در گزارش کمیسیون تحقیقات سنا در مورد سیاست مقابله با مواد مخدر نیز به صراحت مورد تأکید قرار گرفته بود، به شوراهای محلی امنیت و پیش‌گیری از بزهکاری با ریاست شهردار، که در سطح شهرستان نهاد مسئول پیش‌گیری از جرم می‌باشند،

جایگاه ویژه‌ای می‌دهد.

سومین عنصر نظریه مورد اشاره به انتخاب طرحهای پیش‌گیری مربوط می‌شود. این طرحها که تأمین هزینه آن بر عهده یک صندوق اختصاصی بین وزارتی است باید محله‌ها و جمعیت‌های اولویت‌دار را هدف قرار دهد. پرداخت بودجه از طرف این صندوق منوط به ارائه نتایج ارزیابی طرحهای اجرا شده است.

آخرین نکته قابل توجه در این پیش‌نویس عبارت است از تخصیصی کردن و توسعه حرفه‌های مربوط به پیش‌گیری، به صورت تربیت متخصص به‌ویژه در حوزه میانجیگری اجتماعی.

۲-۱-۲. اقدامات پیش‌گیرانه‌ای که باید انجام گردد

خانواده، زیستگاه، مدرسه و دادگستری قلمرو اجرائی نظریه‌ای که به طور مختصر بدان پرداختیم را تشکیل می‌دهد.

اقدامات پیش‌گیری در این چهار حوزه پیش‌بینی شده‌اند. اکثر این اقدامات مبتنی بر پیش‌گیری وضعی است. در حوزه زیستگاه، تقویت نظارت‌های ویدئویی و در حوزه مدرسه، افزایش اطلاعات منتخبان محلی (شهرداران شوراهای عمومی)، در مورد دانش‌آموزان غایب و فراری، از طریق ارائه لیست حضور و غیاب توسط مدیر مدرسه و نیز ارائه غیبت‌های غیرموجه پیش‌بینی شده است. در حوزه خانواده، تأسیس «کمیته‌های رعایت تکالیف و حقوق خانواده» به ریاست شهردار آن شهر پیش‌بینی شده است. این کمیته‌ها موظف‌اند به هنگام عدم توجه و قصور والدین در انجام تکالیف و تعهدات، به‌ویژه در مواردی که نیاز به مداخله کیفری نیست، آنان را به رعایت حقوق و تکالیف خود فرا بخوانند.

۲-۲. برنامه عملی پیش‌گیری

۲-۲-۱. طرح اقدام پیش‌گیری در محله‌های حساس

وزیر کشور در ماه ژانویه ۲۰۰۴ و حتی قبل از بررسی پیش‌نویس قانون

عمومی پیش‌گیری از بزه‌کاری، طرح اقدام پیش‌گیری در محله‌های حساس را اعلام کرد. این برنامه قرار است به صورت آزمایشی در ۲۳ محله اجرا و با توجه به نتیجه اولیه آن تا سال ۲۰۰۵ به صد محله دیگر نیز تعمیم یابد. اولویت در این برنامه با سرکوب (کیفر) می‌باشد. این اقدامات باید به ویژه در حوزه مبارزه با خشونت‌های شهری و هر نوع قاچاق تشدید گردد. این طرح تکمیل اقدامات کیفری فعلی در محله‌های مورد اشاره را نیز در برمی‌گیرد. شهردار باز هم در این طرح نقش محوری را ایفا می‌کند. ضمن اینکه وی مکلف شده است به منظور هماهنگی در انجام و پیشبرد برنامه، شبکه‌ای از فعالان اجتماعی را تشکیل دهد.

۲-۲. موافقت‌نامه همکاری وزارتخانه‌های کشور و آموزش ملی

موافقت‌نامه همکاری بین وزارت کشور و نهادهای زیر مجموعه آن با وزارت آموزش ملی در زمینه مبارزه با قاچاق مواد مخدر و خشونت از آخرین ابتکارات وزیر کشور در این زمینه محسوب می‌شود. بررسی مسئله غیبت‌های مکرر دانش‌آموزان، و نیز همکاری بین مؤسسات آموزشی و مراکز امنیتی مربوطه از دیگر موضوعات این موافقت‌نامه می‌باشد. این طرح ابتدا به طور آزمایشی در پنجاه مؤسسه آموزشی، که بالاترین میزان خشونت را داراست، انجام و در صورت موفقیت در سطح کلان، اجرا می‌شود. البته این تحولی است که جدیداً آغاز شده و طبعاً نتیجه‌گیری از آن زود هنگام است و نمی‌توان به این سرعت آن را ارزیابی کرد.

در پایان یادآوری اختلاف و فاصله بین پیش‌گیری مدل *بُن مزن* و پیش‌گیری مدل *سرگزی*، که برگرفته از مفهوم انگلو-آمریکایی پیش‌گیری وضعی و متکی بر نظریه جرم‌شناسی انتخاب عقلانی^(۱) عمل جنائی و نظریه‌های مشابه

۱. برای اطلاع بیشتر از این نظریه‌ها، ر.ک:

می‌باشد، ضروری است. اما لازم است جرم‌شناسان به روابطی که بین کنترل اجتماعی^(۱) غیر رسمی و کنترل کیفری رسمی وجود دارد بیشتر توجه نمایند. هرچه کنترل غیر رسمی فعال‌تر و مؤثرتر باشد نیاز به کنترل رسمی شدید و ثابت کمتر خواهد بود و بالعکس. به همان ترتیب بین پیش‌گیری وضعی و پیش‌گیری اجتماعی نیز یک رابطه قطعی و مسلم وجود دارد. هرچه پیش‌گیری اجتماعی در ایفای نقش آموزشی و تربیتی خود در زندگی اجتماعی کوتاه‌تری کند، پیش‌گیری وضعی باید در جهت جلوگیری از گذار از اندیشه به عمل^(۲)، فعال‌تر و گسترده‌تر گردد. رابطه عکس قضیه فوق نیز به همین ترتیب صادق می‌باشد. این موارد نکاتی بود از «قوانین جرم‌شناختی» که متأسفانه به فراموشی سپرده شده است.

1. Le Contrôle social informel et le contrôle pénal formel.

2. Le passage à l'acte.